

دکتر سعیدخان، اسطوره اخلاق پزشکی کردستان در دوره قاجار و

پهلوی اول (فیزیولوژیست و چشم‌پزشک)

مظهر ادوای^۱

چکیده

مستندات و منابع تاریخ پزشکی دوره قاجار نشان می‌دهند که پزشکی و طبابت در ایران دوره قاجار به ویژه نیمه اول آن، در مقایسه با سده‌های پیش از آن، پیشرفتی حاصل نکرد. در این دوره، همه بیماری‌ها و دواها را بر دو قسم حارّ و بارد (سرد و گرم) تقسیم می‌کردند و بر این اساس، بیماران را مداوا می‌کردند. در نتیجه برای کسانی که خواهان تحصیل در علم پزشکی مدرن بودند، خارج‌شدن از ایران و تحصیل در فرنگ، امری ضروری بود. سعیدخان کردستانی از جمله این افراد است که در مدت نه سال، به واسطه ارتباط با میسیونرهای مسیحی با طبابت و علم پزشکی روز، آشنایی مقدماتی پیدا کرد، پس از آن در سه دوره زمانی متفاوت، برای تحصیل و تکمیل دانش پزشکی خود به انگلیس سفر کرد و زیر نظر پزشکان انگلیسی، دوره‌های تخصصی کالبدشکافی، فیزیولوژی، نوع‌شناسی، میکروب‌شناسی، تروپیکال، داروسازی و چشم‌پزشکی را گذراند و نام خود را به عنوان یکی از پزشکان متخصص و بااخلاق در تاریخ پزشکی ایران ثبت کرد. در این مقاله برآنیم تا با روش توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و دست‌نویس‌های سعیدخان، به بررسی زندگی پزشکی سعیدخان، دوره‌های تخصصی پزشکی و خدمات و آثار و نظرات وی در این زمینه بپردازیم.

واژگان کلیدی

سعیدخان کردستانی، قاجار، فیزیولوژیست، چشم‌پزشک، پهلوی، اخلاق پزشکی

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

Email: m_advay@yahoo.com

مقدمه

خدمات مسلمانان و در درجه اول ایرانیان در علوم گوناگون مخصوصاً علم پزشکی بر کسی پوشیده نیست. طب اسلامی یکی از مشهورترین و شناخته‌ترین جنبه‌های تمدن اسلامی و یکی از شاخه‌های علم است که مسلمانان در آن درخشندگی فراوان پیدا کرده‌اند. با این حال، بسیاری از پزشکان در دنیای اسلام از جمله برجسته‌ترین آن‌ها مانند رازی (متولد قرن سوم قمری/ نهم میلادی)، اهوازی (قرن چهارم قمری/ دهم میلادی) و ابن سینا (قرن چهارم قمری/ نهم میلادی) ایرانی بوده‌اند. طب اسلامی در واقع آمیزه‌ای است از سنت‌های پزشکی یونانی بقراط قرن چهارم و پنجم پیش از میلاد و جالینوس قرن دوم میلادی همراه با نظریه‌ها و جنبه‌های علمی پزشکان ایرانی و هندیان که در متن کلی اسلام بالنده شده است. (حریری و همکاران، ۱۳۹۴ ش).

اما عصر قاجار را از نظر طب ایرانی و تغییرات آن می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. دوره اول که از آغاز سلطنت قاجاریه تا چند سال از سلطنت ناصرالدین‌شاه را دربر می‌گیرد. در این دوره، طب ایرانی در واقع ادامه همان روند قدیم، یعنی طب ابن سینا و رازی بود، با تغییرات مختصری که در طول زمان پیدا کرد. (علیجانی، ۱۳۹۲ ش). دوره دوم نیز از اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه تا انقلاب مشروطه را دربر می‌گیرد. در این دوره، طب جدید کم‌کم وارد ایران می‌شود و جای طب سنتی ایرانی را می‌گیرد. از همین زمان، دوران افول طب سنتی آغاز می‌شود (حکمت، ۱۳۴۳ ش). و طب نوین و پاستوری جایگزین طب ابن سینایی می‌شود. (الگود، ۱۳۵۲ ش).

در دوره قاجار، شرایط تحصیل طب جدید در ایران فراهم نبود و علاقمندان به آن می‌بایست به اروپا سفر می‌کردند، هرچند دولت در این دوره، امکان تحصیل

در رشته پزشکی را برای برخی از افراد فراهم کرد و آن‌ها را به اروپا فرستاد و از سویی، با تأسیس دارالفنون و ایجاد رشته پزشکی و جراحی در آن، افراد بیشتری توانستند در طب جدید به تحصیل مشغول شوند، اما آنچه مشخص است، این که امکان رفتن به اروپا با هزینه‌های شخصی و حتی تحصیل در مدرسه دارالفنون برای همه به یک اندازه فراهم نبود و دیگر این که امکان گذراندن دوره‌های تخصصی پزشکی در این مدرسه وجود نداشت. سعیدخان کردستانی^۱ ملقب به «پیروز» توانست به واسطه آشنایی با مسیونرهای مسیحی، مدت دوازده سال در همدان دستیار پزشک‌های آمریکایی شود که به همراه هیأت‌های تبلیغی مسیحی به ایران می‌آمدند، پس از آن، برای تحصیل در رشته پزشکی و گذراندن دوره‌های تخصصی این رشته راهی انگلیس شد.

منظر
آزادی

سعیدخان موفق شد درس‌های تئوری را در دانشگاه‌ها و دوره‌های تخصصی را در بیمارستان‌های معتبر انگلیس سپری کند و خودش را به عنوان یک پزشک شناخته‌شده در داخل و خارج از ایران معرفی کند. وی علاوه بر داشتن دانش بالایی پزشکی به خاطر اخلاق نیکو همواره مورد ستایش دوستان و همکارانش بوده است. این مقاله می‌کوشد با روش کتابخانه‌ای و به ویژه از خلال آثار و دست‌نوشته‌های سعیدخان، به بررسی زندگی پزشکی، خدمات و اخلاق پزشکی وی بپردازد و همچنین نگاهی به دانش سعیدخان در رشته‌های دیگر داشته باشد.

الف - سعیدخان و دستیاری پزشکان

دکتر سعیدخان در اول مرداد ۱۲۴۲ شمسی در شهر سنندج به دنیا آمد. پدرش ملارسل از نسل علما و معتمدین سرشناس شهر بود. (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.) سعیدخان در مکتب‌خانه، درس‌های اسلامی را فرا گرفت و پدرش نیز

یکی از استادان وی بود، اما در این دوران، بیماری‌هایی چون جذام و وبا هر روز در کردستان قربانی می‌گرفتند، (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.) به ویژه وبا که به محض شیوع، تلفات فراوانی را در سطح جمعیت - به ویژه در میان کودکان - گرفت. (فلور، ۱۳۸۶ ش؛ طیبی، ۱۳۹۲ ش.) سعیدخان در همان دوران کودکی، مادرش را به خاطر بیماری مالاریا از دست داد و وقتی که در سن سیزده سالگی پدرش نیز درگذشت، در مقام ملایی جای وی را گرفت. همچنین سعیدخان هم‌زمان به پسران یک فرد ثروتمند آسوری مسیحی از فرقه کاتولیک و کشیشان سنندج، زبان فارسی درس می‌داد. (روحانی، ۱۳۹۰ ش.)



در سال ۱۲۶۲ سعیدخان، در همدان به عنوان دستیار و مترجم دکتر الکساندر^۲ در درمانگاه و داروخانه وی مشغول به کار شد (روحانی، ۱۳۹۰ ش؛ کردستانی، ۱۳۰۸ ش.) و نه سال دستیار و شاگرد دکتر الکساندر بود. (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴ ش.) مقدمات آشنایی وی با علم پزشکی هم از همین زمان فراهم شد. در نتیجه سعیدخان خواندن طب را با کتاب‌های مدرن شروع کرد، (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.) البته وی هم‌زمان، مطالعه کتاب‌های رازی و ابوعلی سینا را نیز شروع کرد. کتاب‌هایی که به عنوان منابع طب جالینوسی و طب اسلامی دوره قاجار از آن‌ها

نام می‌برند. (مستوفی، ۱۳۷۱ ش؛ ولایتی، ۱۳۸۹ ش.) سعیدخان علاوه بر کار در درمانگاه، برای طبابت به روستاهای اطراف همدان می‌رفت. وی پس از رفتن دکتر الکساندر، تا آمدن پزشک جدید از آمریکا، مسئولیت درمانگاه و معالجه بیماران را بر عهده گرفت. (روحانی، ۱۳۹۰ ش.) در سال ۱۲۷۲ دکتر هالمز^۳ به عنوان جانشین دکتر الکساندر وارد همدان شد، سعیدخان که تا این زمان با کمال صداقت در مقام دستیار پزشک و مسئول، انجام وظیفه کرده بود از خدمت در میسیون استعفا داد و تصمیم گرفت برای گذراندن دوره‌های تخصصی پزشکی به خارج سفر کند. (روحانی، ۱۳۹۰ ش.)

ب - گذراندن دوره‌های تخصصی کالبدشکافی و فیزیولوژی

در پی آن، سعیدخان در ۱۹ خرداد ۱۲۷۲، وارد استکهلم^۴ سوئد شد، پس از آن، به لندن رفت و دستیار پزشکی به نام چارلز وارن^۵ شد. (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.) سعیدخان که علاقه وافری به کالبدشکافی و فیزیولوژی داشت و در ایران کتاب‌های متعددی، بدون تجربه عملی در آزمایشگاه مطالعه کرده بود و از آنجا که کالبدشکافی مغایر با احکام و موازین دینی پنداشته می‌شد، در نتیجه دو رشته فوق را در دانشگاه کالبدشکافی و فیزیولوژی کوک در لندن گذراند. همچنین مقداری از وقت خود را صرف مطالعه و تحقیق در خصوص داروسازی و میکروب‌شناسی کرد. (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.) به علاوه، سعیدخان در رساله‌ای که به خط خودش نوشته از اطلاعات پزشکی‌اش سخن گفته است. (کردستانی، بی‌تا)

یک بار که سعیدخان، مشغول کالبدشکافی ناحیه شکم یک بیمار بود، پس از پایان عمل، دکتر کوک از طرز کار و رعایت بهداشت، در هنگام عمل از وی بسیار

تعریف کرد. سعیدخان با اشاره به غده‌های فوق کلیوی که آن‌ها را با دقت نمایان ساخته بود، از دکتر کوک پرسید: «فایده این دو غده کوچک که روی کلیه‌ها قرار دارند، چیست؟ و چه عملی را انجام می‌دهند؟» دکتر کوک جواب داد: «کار مهمی را انجام نمی‌دهند». سعیدخان گفت: «من در جایی خوانده‌ام که میکروب سل آن‌ها (غده‌ها)، موجب بیماری آدیسون^۶ است.» دکتر کوک پاسخ داد: «پس می‌گویید در واقع کم‌اهمیت هستند و عمل قابل توجهی را انجام نمی‌دهند.» سعیدخان گفت: «اما آقای محترم، اینجا را نگاه کنید، هر یک از این غده‌ها به وسیله سه شریان بزرگ تغذیه می‌شوند، چنین عمل دقیقی که از جانب خداوند دانا، تنظیم گردیده، اگر فاقد استفاده باشد، بعید به نظر می‌رسد.» دکتر کوک پس از لحظه‌ای مکث گفت: «حتماً در کشور خودت متخصص معروفی هستی.» سعیدخان پاسخ داد: «آیا مسخره‌ام می‌کنید؟» دکتر کوک گفت: «مسلمان نه، من خیلی کنجکاو هستم، تاکنون کسی مثل شما، چنین موضوعی را مطرح نکرده و به آن پی نبرده بود، مطمئن هستم که حق با شماست.» (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.) چندی نگذشت که سعیدخان در یک مقاله خواند که الیور^۷ و شیفر^۸ اثر فیزیولوژی غده‌های فوق کلیوی را کشف کرده‌اند.

ج - گذراندن دوره تخصصی چشم‌پزشکی

رشته دیگری که سعیدخان، وقت زیادی را صرف آن کرد، چشم‌پزشکی بود. وی طی سال‌ها طبابت خود در ایران، با بیماری چشم و کوری که در اثر رعایت نکردن بهداشت و عدم معالجه مؤثر، مردم بدان مبتلا می‌شدند، مواجه بود و در کردستان هم راه‌های زیادی برای درمان چشم‌درد بر پایه طب سنتی وجود داشت، (صفی‌زاده، ۱۳۶۱ ش.) لذا سعیدخان یک دوره تخصصی چشم‌پزشکی را در

بیمارستان عمومی در کرویدون^۹ و بعداً دوره‌ای دیگر را در بیمارستان مرکزی گذرانید. (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.) در ایران عصر قاجار و به باور اهالی و پزشکان محلی، درد چشم با مزاج افراد (اعم از سرد و گرم) ارتباط مستقیم و حتمی داشت. بنابراین با تشخیص نوع مزاج افراد، داروهای مخالف تجویز می‌شد، مثلاً از داروهای گرم برای افراد سرد مزاج و از داروهای سرد برای افراد گرم مزاج استفاده می‌شد. در معدود توصیه‌ها و دستورالعمل‌های پزشکی موجود، علاوه بر شستن چشم با آب سرد به استفاده از گل خطمی، سفیده تخم مرغ آب‌پز، معجون از گیاهان دارویی و شیشه پودر شده، اشاره شده است. (براون، ۱۳۷۶ ش.)

در سال ۱۲۹۱ سعیدخان عازم روستای رزاب هورامان شد تا چشم عباس قلی سلطان حاکم ۷۲ ساله آن‌جا را معاینه کند. (هورامی، ۱۳۸۶ ش؛ کردستانی و همکاران، ۱۳۰۹ ش.) این حاکم چهار سال پیش از آن به کوری مبتلا شده بود، اما سعیدخان پس از معاینه وی، متوجه شد که هر دو چشم وی مبتلا به تراخم^{۱۰} شده‌اند. همچنین دو سال قبل از آن، یک طبیب ناشی، چشم چپ حاکم را عمل کرده و منجر به آب سبز و سردرد شدید در سلطان شده بود. فشار وارده بر مردمک چشم راست هم آشکار بود. علاوه بر این، سلطان به مرض قند دچار شده بود. در نتیجه زمینه برای عمل جراحی نامساعد بود. (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.)

با وجود این، سعیدخان تصمیم به عمل وی گرفت و تا رسیدن وسایل جراحی از همدان که مدت یک هفته طول کشید، پلک‌های عباس قلی سلطان را سوزانده و او را به گرفتن یک رژیم غذایی شدید وادار کرد. در نتیجه، وضع مزاجی وی، پیش از عمل به طور قابل توجهی بهتر شد، اما به علت آب سبز، پیری بیمار و درد طولانی، قرینه چشم وی جمع شده بود. سعیدخان آن را پاره کرد و پس از انجام عمل با تنزیب، چشم حاکم را برای چهار روز بست. پس از دو بار پانسمان،

وقتی که در غروب روز چهارم، تنزیت را از روی چشم عباس قلی برداشتند. با بازیابی بینایی حاکم، معلوم شد که عمل جراحی سعیدخان کاملاً موفقیت‌آمیز بوده است. (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.)

د - گذراندن دوره تخصصی بیماری تروپیکال^{۱۱}

در بهار سال ۱۲۸۰ شمسی، دکتر پاتریک منسان^{۱۲} که بعداً مؤسس و مدیر دانشگاه معروف تروپیکال مدیسن^{۱۳} شد و به خاطر خدمات چشمگیری، مدال قهرمانی گرفت، به سعیدخان توصیه کرد که دوره تخصصی مورد علاقه خود را در بیمارستان سن جرج^{۱۴} تکمیل کند، زیرا در لندن تحصیل چنین دوره‌ای میسر نبود. بنابراین سعیدخان به عنوان سومین نفر در بیمارستان مذکور ثبت نام کرد. در این بیمارستان، بیماری تروپیکال که بیشتر در نواحی گرمسیری وجود داشت، با کمک نمونه‌ها و براهین واضح به طور عملی تدریس می‌شد. این آموزش بعدها در ایران، برای کار سعیدخان بسیار بالارزش بود. (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.)

سعیدخان پس از دو سال به ایران بازگشت و در همدان مشغول طبابت شد. (روحانی، ۱۳۹۰ ش.) در دی‌ماه ۱۲۸۹، عین‌الدوله داماد مظفرالدین‌شاه و استاندار جنوب غربی کشور به منظور سرکشی و بازرسی امور ادارات شهرهای قلمرو خود عازم سفر شد و سعیدخان را به عنوان پزشک معالج با خود همراه کرد. در همین سفر، پای عین‌الدوله تیر خورد و با آنکه احتمال قطع آن می‌رفت، اما سعیدخان آن را معالجه کرد. (کردستانی، ۱۳۰۸ ش.) با وجود این، سعیدخان حاضر نشد در مقابل این خدمت، طبابت در دربار را بپذیرد. به نظر می‌رسد، این کار، سعیدخان را از هدف اصلیش، یعنی خدمت به عامه مردم دور می‌کرد.

هـ- گذراندن دوره تخصصی نوع‌شناسی و میکروب‌شناسی

سعیدخان در سال ۱۲۸۳ برای سومین بار، جهت تکمیل تحصیلات پزشکی خود راهی لندن شد. وی به عضویت پلی‌کلینیک لندن درآمد و در رشته‌های نوع‌شناسی و میکروب‌شناسی به تحصیل پرداخت، ضمن این‌که مقداری از وقت خود را صرف چشم‌پزشکی کرد. همچنین وی از طریق دوست قدیمی‌اش، دکتر پاتریک با دکتر هانسن^{۱۵} کاشف باسیل‌های مرض جذام آشنا شد و سخنرانی وی را درباره این بیماری مهلک گوش داد. (روحانی، ۱۳۹۰ ش.)

ورود سعیدخان به ایران پس از یک سال، همزمان با مریضی پسر کوچک سالارالسلطنه^{۱۶} حاکم همدان بود که تمام دکترها از زنده ماندنش قطع امید کرده بودند. سعیدخان موفق شد، وی را نجات بدهد. وی همچنین موفق شد دختر و همسر امیر افخم همدانی را که به ترتیب به اسهال خونی و وبا دچار شده بودند، مداوا کند. (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.) سرانجام در سال ۱۲۸۴ ش از سوی عین‌الدوله^{۱۷} صدراعظم وقت، عازم تهران شد و تا سال ۱۲۹۱ در تهران ماند و پس از آن به همدان بازگشت. (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.)

و- اخلاق پزشکی سعیدخان

سعیدخان در تابستان ۱۳۱۵ بنا به دعوت مردم، به سنج‌بازگشت و مدتی را به مداوای بیماران پرداخت. دکتر سعیدخان، انسانی روحانی مسلک و علاقمند به معنویات بود. از کمک به مستمندان و درماندگان مضایقه نمی‌کرد و در صفا و صمیمیت نظیر نداشت. (روحانی، ۱۳۹۰ ش.) وی معمولاً در عوض معالجه و مداوای بیماران به جای پول از آن‌ها مرغ، تخم‌مرغ، روغن، گوسفند و غله می‌گرفت (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.) و زمانی هم که متوجه می‌شد بیمارانش توانایی مالی

ندارند، علاوه بر معالجه، به آن‌ها مبلغی پول می‌داد. (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.) بعد از جنگ جهانی اول، اوضاع ایران به سرعت دچار تغییر شد. سعیدخان هم در همین زمان، در مرکز شهر تهران به شغل طبابت مشغول بود. وی از صبح تا ظهر و از ۲ بعدازظهر تا شب به مداوای بیماران می‌پرداخت. وقار، بردباری، عفت کلام، نجابت و رفتار پسندیده سعیدخان، احترام و اعتماد مردم را جلب می‌کرد. قوه تشخیص سعیدخان چنان بود که غالباً بدون وسایل آزمایش به طور مستقیم و دقیق به نتیجه مثبت می‌رسید (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.) و هر زمان وی را بر بالین بیماران می‌خواندند با کمال میل و بدون کوچک‌ترین عذری، فوری قبول می‌کرد و همواره در خانه‌اش عده‌ای مهمان ناخوانده وجود داشت و از فقیران دستگیری می‌کرد و بارها برای مداوای بیماران به شهرهای دیگر مانند: همدان، اصفهان، کردستان، ارومیه و... رفت.

حیدرعلی کمالی، روزنامه‌نگار و نویسنده دوره پهلوی اول، درباره سعیدخان می‌نویسد: «ایرانیان باید به وجود دکتر سعیدخان کردستانی خرسند باشند، چه وجود ایشان، گذشته از لحاظ علمی که در خارج برای ما موجب مباهات است، در داخل هم باعث امیدواری مرضی و مایه تسلی دردمندان بینواست. بایستی خیلی نزدیک ایشان را دید و دانست که با همه حذاقت و بسط یدی که در کار خود دارند، چگونه پدرا نه با عموم مرضی رفتار می‌کنند و از معالجات فوق‌العاده ایشان در این شهر (تهران) همه آگاهند.» (کردستانی و همکاران، ۱۳۰۹ ش.) میرزا حسین خان دیوان بیگی هم در خاطراتش از مریضی ذات‌الریه‌اش که ۷۰ روز گرفتارش بوده و سرانجام در ۱۵ شهریور ۱۲۸۸ جهت مداوا به خانه سعیدخان رفته، سخن گفته است. (دیوان‌بیگی، ۱۳۸۲ ش.) همچنین قهرمان میرزاعین‌السلطنه^{۱۸} در خاطراتش می‌نویسد سعیدخان پزشک مشهوری است که در دوره مشروطه از

آزادی خواهان بود و بعدها در تهران ساکن شد و از معاریف به شمار می‌رفت.
(عین السلطنه، ۱۳۷۴ ش.)

ز - آثار و نظرات پزشکی سعیدخان

سعیدخان در ایران و اروپا، از دو جهت انسان بسیار شناخته شده‌ای بود. اول به واسطه علم و دانش پزشکی و دوم به واسطه زبان مادریش، یعنی زبان هورامی^{۱۹} و انتقال قباله‌های اشکانی هورامان به اروپا.

همانطور که پیش از این اشاره شد، سعیدخان با وجود این که پزشک سرشناس و متخصصی بود، اما بیشتر در خدمت عامه مردم بود و هیچ‌گاه حاضر نشد طبابت در دربار را بپذیرد و فقط گاه به درخواست حاکمان و مسؤولان بلندپایه حکومتی برای معالجه آن‌ها حاضر می‌شد. وی علاوه بر معالجه افراد و دادن دارو به آن‌ها، به نظر می‌رسد شیوه‌های دیگری برای درمان بیمارانش داشت، یعنی توجه به جسم و روان فرد بیمار به طور هم‌زمان. سعیدخان در طول درمان بیمار، سعی می‌کرد وی را بر این مسأله نیز آگاه سازد که انسان علاوه بر جسم، باید از روح و روانش هم مواظبت کند، زیرا این دو تأثیر متقابل بر روی همدیگر دارند. در نتیجه مرتب از وابستگی روح و روان به یاد خدا سخن می‌گفت و این که یاد خدا موجب آرامش انسان می‌شود، به حدی که همین یاد خدا موجب دفع بسیاری از بیماری‌ها می‌شود.

سعیدخان همچنین به توصیه دوستانش گاهی هم در مجلات، مقالاتی در زمینه طب و پزشکی می‌نوشت، البته وی نوشتن در زمینه پزشکی را زمانی آغاز کرد که در همدان دستیار دکتر الکساندر بود. (کردستانی، ۱۳۰۸ ش.) مطالب را عمده با نثر ساده و روان می‌نوشت تا جنبه کاربردی برای خوانندگان به ویژه زنان

داشته باشد. از آن جمله: کتابچه ۴۸ صفحه‌ای درباره آب و امراض منتشره توسط آن است که در سال ۱۳۰۸ ش تألیف کرد. سعیدخان، پیش از نوشتن این کتابچه، در سه شماره مجله عالم نسوان، درباره مسأله آب و امراض آن مقالاتی نوشته بود و زمانی به نوشتن این کتابچه پرداخت که محصلان و خانم‌های مدرسه دخترانه آمریکایی در تهران و همچنین افرادی دیگر از وی خواستند از آنجا که مسأله آب لوله‌کشی پیش آمده، بهتر است مطلبی بنویسد که در این زمینه به کار بیاید. در نتیجه سعیدخان هم به نوشتن این کتابچه پرداخت. (کردستانی، ۱۳۰۸ ش.)

نکته قابل تأمل، نقش ویژه‌ای است که سعیدخان برای زنان در سلامت جامعه قائل است، به طوری که حتی در نوشتن این کتابچه از این نکته غافل نبوده و در نامه‌ای به هیأت مدیره مجله عالم نسوان می‌نویسد که مطالب کتابچه را با کلمات بسیار ساده و روان نوشته تا شاید کسانی بخواهند این مطالب را برای خواهران بی‌سواد خود بخوانند تا آن‌ها هم از مطالب نوشته شده، استفاده کنند. (کردستانی، ۱۳۰۸ ش.) حیدرعلی کمالی هم در یادداشتی که بر کتاب نرانی دکتر سعیدخان نوشته از این رساله و ارزش و اهمیت آن یاد کرده است. (کردستانی و همکاران، ۱۳۰۹ ش.) سعیدخان در این کتابچه، ضمن بحثی در باب ارزش و اهمیت آب در زندگی انسان، به خطرات بسیار زیاد آن در صورت بی‌توجهی به پاکی آن، اشاره می‌کند، سپس تمام بیماری‌هایی که از طریق آب، انسان را گرفتار می‌کنند، نام می‌برد و ضمن آن به عنوان مثال، نمونه‌هایی را می‌آورد که در برخورد با بیمارانش در داخل و خارج از ایران با آن‌ها رو به رو شده است. همچنین رعایت حفظ‌الصحه عمومی، تصفیه آب، البته در مقیاس کوچک، انداختن ماهی قرمز در آب‌انبارها و ریختن خاکستر یا آهک در آن، توصیه به خانواده‌ها برای انجام این کار در خانه و جوشانیدن آب، از روش‌هایی است که سعیدخان برای جلوگیری از امراض مسری

در نتیجه زیادی کثافات و آب‌های مسموم پیشنهاد انجام آن‌ها را به عامه مردم می‌دهد. (کردستانی، ۱۳۰۸ ش.) در مجموع، مطالب این کتابچه و مطالعه آن، هنوز هم می‌تواند برای خوانندگان بسیار مفید فایده باشد. علاوه بر این، سعیدخان کتابچه دیگری در بیست صفحه با عنوان چاره کار یا بهبودی سپهسالار دارد که در آن به چگونگی معالجه پای سپهسالار قاجاریه - که امیدی به بهبودی آن نبود - پرداخته است. (کردستانی، ۱۳۰۸ ش.)

در نتیجه، سعیدخان از دو جهت در زمینه طب جدید در ایران مؤثر واقع شد: اول از جهت فرهنگ‌سازی و آگاهی‌دادن به مردم در مورد بیماری‌ها و طریقه جلوگیری از آن‌ها، با نوشتن مقالات و رساله‌هایی به زبان ساده و روان که جنبه کاربردی داشتند. این کار برای همه گروه‌ها و طبقات جامعه، به ویژه زنان که مسئولیت مهم‌تری در خانواده بر عهده داشتند، انجام می‌شد. دیگر نقش سعیدخان در زمینه انتقال دانش طب جدید بود که در اروپا فرا گرفته بود، هرچند در این زمینه حداقل تا زمانی که اسناد خانوادگی، دست‌نوشته‌های سعیدخان و به ویژه اسناد مربوط به مطبخانه وی در تهران برای تحلیل و بررسی در اختیار محققان و پژوهشگران قرار نگیرد، نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد^{۲۰}، با این وجود، معالجه بسیار از بزرگان و فراخواندن مداوم سعیدخان به دربار برای معاینه و معالجه بزرگان و مسؤولان بلندپایه کشور، پیشنهاد برعهده‌گرفتن پزشکی دربار، عمل‌های جراحی موفقیت‌آمیز سعیدخان و نجات جان بسیاری از افراد که دیگر امیدی به زنده ماندن آن‌ها وجود نداشت. همچنین مطالبی که برخی از نویسندگان، همکاران و دوستان سعیدخان در این زمینه آورده‌اند، نشان از دانش بالای سعیدخان در زمینه طب جدید دارد.

سعیدخان علاوه بر پزشکی، به واسطه علاقه و شرایطی که در آن قرار گرفته بود، به زبان‌های عربی، انگلیسی، فارسی، کردی، هورامی، ارمنی، سریانی و عبری مسلط بود. (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴ ش.) در نتیجه، پس از انتقال قباله‌های اشکانی هورامان به اروپا، استادان دانشگاه‌های برلین، کیمبریج، آکسفورد و... به سعیدخان نامه نوشتند و از وی خواستند تا لغات هورامی را به صورت یک کتاب بنویسد. سعیدخان در آغاز از انجام این کار امتناع کرد، اما وقتی که استادانی چون ادوارد براون و مینورسکی به وی اصرار کردند و گفتند: هیچ زبان و قومی بدون این نوع ادبیات نیستند و یادآور شدند: «شما بنویس، مذهب و خداپرستان از قسمت لاهوتیش، اخلاقیون از سهم اخلاقی آن و استادان فن انشقاق لغات و اصول نژادی، از لغات و اصطلاحاتش استفاده خواهند کرد، مگر شعر شاعر شهیر خودتان را فراموش کرده‌ای که می‌فرماید «هر که از ظن خود شد یار من.» سرانجام سعیدخان می‌گوید: «لهذا نتوانستم خودداری کنم.» (کردستانی و همکاران، ۱۳۰۹ ش.) بر این اساس بود که سعیدخان کتاب نژانی (مزگانی) را به زبان هورامی نوشت.^{۲۱}

ح - سال‌های آخر

در تابستان ۱۳۱۶ سعیدخان در سن ۷۴ سالگی برای استراحت به همدان بازگشت، اما از سوی شهربانی دستگیر و روانه تهران شد. گویا پس از مرگ آصف اعظم، میلیونر کردستان، سعیدخان در نامه تسلیت به پسران وی نوشته بود، بسیار دعا کنید که پدر شما در وطن خود مُرد نه در قصر قاجار (زندان دوره پهلوی). این نامه در اداره پست سانسور شد. (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴ ش.) خبر زندانی‌شدن سعیدخان به سرعت در همه جا پیچید و برخی از شخصیت‌های

برجسته کردستان و علمای متنفذ دینی، نامه‌هایی را برای وی نوشتند. (روحانی، ۱۳۹۰ ش.) دکتر هاروی کوشینگ^{۲۲} از آمریکا در نامه‌ای برای سعیدخان نوشت که موضوع زندانی‌شدن وی را با روزولت رئیس‌جمهوری آمریکا در میان گذاشته است. در نتیجه، سفرای انگلیس و آمریکا برای رهایی وی از دست دولت پهلوی، دست به کار شدند و سموئیل^{۲۳} پسر سعیدخان که طراح بانک انگلیس در ایران بود، طی نامه‌ای به رضاشاه خواستار آزادی پدرش از زندان شد. در نتیجه، پس از سه ماه و نه روز از زندان آزاد شد و سرانجام در سال ۱۳۲۲ش در همدان درگذشت. (رسولی و همکاران، ۱۹۸۲ م.)

نتیجه‌گیری

دکتر سعیدخان کردستانی یکی از پزشکان برجسته عصر قاجار و پهلوی اول بود. وی طب سنتی را با مطالعه کتاب‌های ابن سینا و رازی فرا گرفت و پس از نه سال دستیاری پزشکان میسیونر در همدان، سرانجام برای تحصیل و گذراندن دوره‌های تخصصی پزشکی راهی اروپا شد. سعیدخان دوره‌های تخصصی کالبدشکافی، فیزیولوژی، نوع‌شناسی، میکروب‌شناسی، تروپیکال، داروسازی و چشم‌پزشکی را زیر نظر پزشکان انگلیسی، به صورت تئوری و عملی در بیمارستان‌ها و دانشگاه‌های آن کشور، طی سه دوره زمانی ۱۲۷۲، ۱۲۸۰ و ۱۲۸۳ با موفقیت پشت سر گذاشت و به ایران بازگشت. سعیدخان که موفق شده بود خودش را در اروپا و ایران به عنوان پزشکی معتمد و با دانش پزشکی روز معرفی کند، تمام عمر خود را در شهرهای مختلف ایران به ویژه تهران، در خدمت عامه مردم بود، حتی زمانی که برای معاینه و معالجه حاکم و مسؤولی به شهر یا روستایی دعوت می‌شد، سعی می‌کرد از فرصت به دست‌آمده برای معالجه مردم آن منطقه استفاده کند. وی با درک شرایط مالی بیماران، گاه نه تنها از آن‌ها هزینه‌ای نمی‌گرفت، بلکه به آن‌ها هم کمک می‌کرد.

سعیدخان همچنین گاه نظرات و تجربه‌های چند ده ساله خود در زمینه پزشکی را در مقالات و کتابچه‌هایی می‌نوشت که برای خوانندگان به ویژه عامه مردم مفید فایده بود، از آن جمله می‌توان از مقالات ایشان در مجله عالم‌نسوان، کتابچه آب و امراض منتشره توسط آن و کتابچه چاره کار یا بهبودی سپه‌سالار نام برد. وی همچنین به خاطر آشنایی و تسلط بر زبان‌های عربی، انگلیسی، فارسی، کردی، هورامی، ارمنی، سریانی و عبری مورد توجه بسیاری از استادان و مستشرقین دانشگاه‌های بزرگی، مانند کیمبریج و آکسفورد بود و به توصیه

استادانی چون ادوارد براون، نلدکه و بسیاری دیگر از مستشرقین، کتابی دیگر به نام نزانی (مزگانی) تألیف کرد و در آن واژگان زبان هورامی را ثبت کرد. کتابی که از جنبه زبان‌شناسی ایرانی بسیار مهم و قابل تأمل است و اهمیت آن را سیدحسن تقی‌زاده و حیدرعلی کمالی در یادداشت‌هایی که بر آغاز کتاب نوشته‌اند، یادآور شده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. سعیدخان را به نام دکتر سعیدخان کردستانی، میرزا سعید کرد طبیب، سعید کردستانی و سعید مطبب کردستانی هم می‌شناسند.
2. Alexander
3. Holmes
4. Stockholm
5. Charles Warr
۶. Addison Diseases: کمبود هورمون‌های قشر غده فوق کلیوی (هیپوکورتیکوئیدی).
7. George Oliver
8. Edward Albert Sharpey Schafer
9. Croydon
۱۰. از بیماری‌های چشم و آن متورم شدن پرده چشم و بروز جوش‌هایی در داخل پلک است.
۱۱. Tropical: سوء جذب گوارشی گرمسیری یا اسپروی گرمسیری (Tropical Sprue) نشانگان سوء جذبی گوارشی است که احتمالاً به دلیل کمبود تغذیه توأم با عفونت ایجاد می‌شود و به صورت بومی در کشورهای گرمسیری و نیمه‌گرمسیری وجود دارد و طی آن پرزهای روده باریک مسطح می‌شوند.
12. Patrick Mnsan
- 13 Tropical Madison
14. George's Sen
15. Gerard Henrik Hansen
۱۶. سالارالسلطنه پسر ناصرالدین‌شاه قاجار که در سال ۱۲۸۲ به مدت دو سال حاکم همدان بود.
۱۷. عین‌الدوله از سال ۱۲۸۲ تا ۱۲۸۴ صدر اعظم ایران بود.
۱۸. عین‌السلطنه همچنین می‌نویسد: «سابقه آشنایی من با سعیدخان، مثنوی هفتاد من می‌خواهد و مربوط به زمانی است که پدرم حاکم کردستان بود.» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴ ش.).
۱۹. زبان هورامی از زبان‌های ایرانی است که درباره‌اش نظریه‌های گوناگونی بیان شده است. برخی از زبان‌شناسان، چون ارانسکی این زبان را زیرشاخه زبان کردی و از شاخه شمال غربی می‌دانند که برخی ویژگی‌هایش گویای پیوند با لهجه‌های مرکزی ایران، مانند لهجه سمنانی و لهجه‌های فارس، مانند سیوندی و نیز لهجه‌های کرانه دریای خزر است. (ارانسکی، ۱۳۵۸ ش.). برخی دیگر از شرق‌شناسان و متخصصان زبان‌های ایرانی، چون مینورسکی، مکزی، لُرخ، پاول و گیپرت می‌گویند هورامی یک زبان جداگانه است و گاهی آن را در دسته زبان‌های شرقی یا مرکزی جای می‌دهند. (چمن‌آرا، ۱۳۹۰ ش.). اُمان و مینورسکی هم با نمایان ساختن زبان هورامی‌ها در میان دیگر گویش‌های کردی به این نتیجه

می‌رسند که «گمان نمی‌رود بتوان هورامی‌ها را از نگاه زبان و جزء این‌ها، به مفهوم اکید سخن، در جمله کردن برشمرد.» (آکوپف، ۱۳۷۶ ش.)

۲۰. متأسفانه تلاش نگارنده برای به دست آوردن این اسناد از دست برخی از افراد بی‌فایده بود.

۲۱. سعیدخان با تشویق مستشرقین اروپایی از آلمانی، دانمارکی، روسی و گرج، به ویژه مینورسکی و ادوارد براون [سعیدخان در سفر دومش به لندن در سال ۱۹۱۳ مدتی را در دانشگاه کیمبریج مهمان ادوارد براون بود] شروع به نوشتن کرد. زمانی که براون متوجه شد، سعیدخان به واسطه آنکه زبانش هورامی است، بسیاری از واژگان کتاب جاودان کبیر از فرقه حروفیه را می‌فهمد، به او اصرار کرد که باید چیزی بنویسی و به یادگاری بگذاری تا اهل علم و مستشرقین اروپا را مدیون خود سازی. (کردستانی، نرانی، ۱۳۰۹ ش.)

22. Harvey Cushing

23. Samuel

فهرست منابع

- ارانسکی، یوسف میخائیلوویچ. (۱۳۵۸ ش.). مقدمه *فقه‌اللغه ایرانی*. مترجم کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام، ص ۳۱۱.
- آکوپف، گ. ب (هاکوپیان). حصارف، م. ت. (۱۳۷۶ ش.). *کردان گوران و مسئله کرد در ترکیه (از آغاز جنبش کمالیان تا کنفرانس لوزان)*. مترجم سیروس ایزدی، تهران: هیرمند، ص ۷۱.
- براون، ادوارد. (۱۳۷۶ ش.). *یک سال در میان ایرانیان*. مترجم ذبیح‌الله منصوری، تهران: انتشارات خوارزمی، صص ۵۴۸-۵۴۹.
- چمن‌آرا، بهروز. (۱۳۹۰ ش.). درآمدی بر ادب حماسی و پهلوانی کردی با تکیه بر شاهنامه کردی. *جستارهای ادبی*. سال چهل و چهارم، شماره صد و هفتاد و دوم، صص ۱۴۹-۱۲۰.
- حریری، نجلا. وفایی، فاطمه. (۱۳۹۴ ش.). سهم دانشمندان ایرانی در تألیف نسخ خطی عربی طب اسلامی. *مجله طب سنتی/اسلام و ایران*. سال ششم، شماره چهارم. صص ۲۸۵-۲۷۹.
- حکمت، علی‌اصغر. (۱۳۴۳ ش.). *ایران‌شهر*. تهران: چاپخانه دانشگاه، دو جلدی، جلد دوم، ص ۱۴۰۳.
- دیوان‌بیگی، حسین. (۱۳۸۲ ش.). *خاطرات دیوان‌بیگی*. مصحح و محقق ایرج افشار و محمدرسلول دریاگشت، تهران: اساطیر، ص ۲۵۹.

رسولی، جی. آلن، کیدی. (۱۹۸۲ م.). طبیب محبوب شرح زندگی دکتر سعیدخان کردستانی. بی جا: انجمن بین‌المللی مسیحیان ایرانی، صص ۵، ۷-۸، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۴۰-۴۲، ۴۵، ۵۵-۵۶، ۶۷-۶۸، ۷۷، ۷۹-۸۰، ۸۳-۸۴، ۹۶.

روحانی، بابامردوخ. (۱۳۹۰ ش.). تاریخ مشاهیر کرد. به کوشش محمد ماجد روحانی، تهران: سروش، دو جلدی، جلد دوم، صص ۲۶۷-۲۷۰.

سالور عین‌السلطنه، قهرمان میرزا. (۱۳۷۴ ش.). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه. مصحح و محقق مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر، ده جلدی، جلد اول: ص ۳۷۱؛ جلد دهم: صص ۷۸۳۱-۷۸۳۰.

صفی‌زاده، صدیق. (۱۳۶۱ ش.). طب سنتی در میان کردان. تهران: عطائی، ص ۲۰.

طییبی، سیدمحمد. (۱۳۹۲ ش.). طب و طبابت در ولایت کرمان عصر قاجار. سال پنجم، شماره شانزدهم، صص ۱۵۲-۱۲۵.

علیجانی، مهدی. (۱۳۹۲ ش.). معینه و روش‌های طبابت در دوره قاجار، از دید سیاحان اروپایی. فصلنامه تاریخ پزشکی. سال پنجم، شماره شانزدهم، صص ۱۲۳-۹۳.

فلور، ویلم. (۱۳۸۶ ش.). سلامت مردم در ایران قاجار. مترجم ایرج نبی‌پور، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی - مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی، ص ۱۵.

کردستانی، سعیدخان. (۱۳۰۸ ش.). آب و امراض منتشره توسط آن. تهران: مطبعه فاروس، صص ۲۰-۱، ۲۳، ۲۸.

کردستانی، سعیدخان. (۱۳۰۹ ش.). نرانی (مزگانی). تهران: بی‌نا، مقدمه یه و یو، ص ۱۵.

کردستانی، سعیدخان. (بی‌تا). تاریخچه شرح حالات و زندگانی دکتر سعیدخان کردستانی. خط نستعلیق، محل نگهداری کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۱۲۸۸۱، شماره قفسه ۱۴۴.

کردستانی، سعیدخان. (بی‌تا). چاره کار یا بهبودی سپه‌سالار. تهران: بی‌نا، ص ۲.

الگود، سیریل لویید. (۱۳۵۲ ش.). تاریخ پزشکی ایران. مترجم محسن جاویدان، تهران: انتشارات اقبال، ص ۶۲۲.

مستوفی، عبدالله. (۱۳۷۱ ش.). شرح زندگانی من. تهران: انتشارات زوار، ص ۵۲۸.

هورامی، ملا عبدالله. (۱۳۸۶ ش.). تدوین و گردآوری مظفر بهمن سلطانی هورامی. مقدمه و تصحیح و تعلیقات نادر کریمیان سردشتی، تهران: نشر احسان، صص ۵۷۱-۵۷۰.
ولایتی، علی اکبر. (۱۳۸۹ ش.). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (ویژه علوم پزشکی). قم: دفتر نشر معارف اسلامی، صص ۱۷۹-۱۷۰.

یادداشت شناسه مؤلف

مظهر ادوای: دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
پست الکترونیک: m_advay@yahoo.com

Doctor Saeed Khan, Kurdistan myth of Medical Ethics in Qajar and First Pahlavi period (Physiologist and ophthalmologist)

Mazhar Advay

Abstract

Documentation and medical history of the Qajar period shows that medical practice in Qajar period, especially the first half, compared with its earlier centuries and did not progress. In addition in this period all diseases and drugs were divided in twofold (hot and cold), and patients were treated on the basis of this division. So, for those who wish to study in modern medical science, travelling abroad and studying in European countries were necessary. Saeed Khan Kurdistani is one of the examples of these people who got the basic introduction with medicine and medical science through contacting with Christian missionaries during 9 years. As a result, in three different time periods, he traveled to England to study and complete his medical knowledge, and under the supervision of English physicians, he had been specialized in anatomy, physiology, typology, microbiology, tropical medicine and ophthalmology and his name was recorded as one of the specialists and moral physicians in medical history. In this paper, through descriptive method and resources of library and Saeed Khan's manuscripts, we try to investigate Saeed Khan Kurdistan medical life, his specialized courses in Medical field and his effects.

Keywords

Saeed Khan Kurdistan, Qajar, Physiologist, Ophthalmologist, Pahlavi, Medical Ethics